

ازمنامه‌رهای

دکتر مه‌لال‌الدین کزازی



نشر گویا

سرشناسه: کزازی، میرجلال‌الدین، ۱۳۲۷-

عنوان قراردادی: شاهنامه. شرح

عنوان و نام پدیدآور: رزنامه‌ی رهایی / میرجلال‌الدین کزازی.

مشخصات نشر: تهران: نشر گویا، ۱۳۹۹.

مشخصات ظاهری: ۲۴۰ ص: ۲۱×۱۴ س.م.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۰۹۴۸۴-۸

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

موضوع: فردوسی، ابوالقاسم، ۳۲۹ - ۴۴۱۶ ق. شاهنامه -- نقد و تفسیر

موضوع: شعر حماسی فارسی -- تاریخ و نقد

شناسه افزوده: Ferdowsi, Abolqasem. Shahnameh

ده بندی کنگره: PIR۴۴۹۵

بندی یوبی: ۸۱۷/۲۱

شماره کتابشناسی ملی: ۷۲۶۵۱۶۷



نشر گویا

خیابان کریم‌خان زند، روبروی ایرانشهر، پلاک ۸۹

تلفن: ۸۸۳۱۳۴۳۱ - ۸۸۸۲۸۸۸۴

www.gooyabooks.com info@gooyapub.com



gooya.publication
gooyabookstore

رزنامه‌ی رهایی

دکتر میرجلال‌الدین کزازی

مجموعه‌ی فرهنگ و ادب ایران • دبیر مجموعه: میثم فرجی

طراح جلد: لیلا آقاسی

چاپ نخست: ۱۳۹۹

تیراژ: ۵۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۰۹۴-۸۴-۸

چاپ: خانه‌ی فرهنگ و هنر گویا

حق چاپ و انتشار کلیه‌ی مطالب محفوظ است.

هرگونه اقتباس و استفاده از مطالب منوط به دریافت اجازه از ناشر است.

فهرست

- دییاجه ۷
- نشست نخست: نام و جای در شاهنامه ۱۱
- نشست دوم: زمین و ماه و خورشید: گو و شیر و آهن ۲۷
- نشست سوم: پرسمان شناخت، در شاهنامه ۴۷
- نشست چهارم: بینندگان و آفریننده ۶۳
- نشست پنجم: چهار آخشیجان ۸۵
- نشست ششم: چگونگی نام، در شاهنامه (۱) ۱۰۵
- نشست هفتم: چگونگی نام، در شاهنامه (۲) ۱۲۷
- نشست هشتم: شاهنامه: میزد مهینه‌ی سخن ۱۴۹
- نشست نهم: مهر ایرانی، در کاپیتول ۱۷۳

نشست دهم: پرسش و پاسخ ۱۹۹

بخش بازیسین ایرانیان و تازیان ۲۱۷

افزونه‌ی بخش بازیسین ۲۳۱

فرهنگ واژه‌های دشوار ۲۳۷

www.ketab.ir

دیباچه

اورمزد! ایزدا! تر را، از تک جان و از سیاهکِ دل، بزرگ می‌دارم و نیایش می‌آرم و نامت را در گرمی باد! بر زبان می‌رانم و آفرین می‌خوانم؛ زیرا، به استوارت و هرینگ، می‌دانم که تو داناترین و بیناترین و شنواترینی، هرچند بی‌گم که این خامه‌ی نوان و این زبان ناتوان را، نمی‌رسد که به هر روی و رای، به رِواختِ بیکران و برینت را بر جایِ بندگان که همواره، به ناچاره، در سِندگیِ اند دل‌آکنده از هراس: هراس از ستایش و سپاسِ ناکام و نافرجم و خامِ بدان‌سان و ساز که تو را، ای بی‌هنبارِ بنده‌نواز! می‌سزد و می‌برازد، سپاسِ خزارند یا، بدان شیوه و شگرد که خداوندی و ورجاوندی، یکتایی و والایی، بی‌چونیِ بشگون و همایون، نیز بزرگواری و پرودگاریت را می‌شاید، کدامین زبانِ چیره‌ی شورانگیز یا کدامین خامه‌ی خیره‌ی شررخیز را زهره‌ی آن است که تو را بستاید و از بوته‌ی آزمونی چنین دشوار و رنجبار

و از روی و سویی دیگر، دلشین و نوشین و دلنشان، سربلند و پیروزمند، بدر آید.

لیک، با همه شرمندگی، آیین بندگی را، اگر نه به برازندگی و زیندگی، به جای می‌باید آورد و آنچه را که به ناگزیرکردنی است، هرچند گستاخ و شیخ چشم و دلیر، می‌باید کرد تا مگر، اگر خامه و زبان، چالاک و بیباک، گستاخی ورزید، روی زرد را بتوان، با تپانچه و لُت، به سرخی رَزِ - و نیلِ سخاهی را، از سویی آن یارِ آمرزگار، برآزید و ارزید.

بر این پایه است که من گستاخوار، می‌یارم که بدان دریازم که دست به نیایش برافرازم: «بازدادارا! بهینه یارا! مِهینه مهرآریا! جان‌افزایا! دلگشایا! تورا، با هدیه‌ی من، از بُنِ جان و دندان، سپاس می‌گزارم که مرا آن بختِ بلندِ دلپسندِ ارزایی داشتی که بتوانم سومین پوشینه را، از زنجیره‌ی دفترهای کندوکاو در شاهنامه، فایزِ فرهیختگان و فرهنگوران فرخنده‌خوی که هر آینه، ایرانیان راستین و سرزمین هم‌آنانند، بنهم؛ آنان ایرانیانی‌اند ناب و نژاده، در خوی و خیم، شاداب و آزاده؛ زیرا شیفتگان شاهنامه‌اند و فرزندانِ دل‌بند و فرّمندِ فردوسی، در تَرشاییِ روانی و رانه‌ای و منشی و کنشی و انگیزشی و فرهیزشی.

این سومین پوشینه که رزنامه‌ی رهایی نام گرفته است، ده گفتار سومین دوره‌ی شاهنامه‌شناسی را در بر دارد. از این پیش، گفتارهای دهگانه‌ی دو دوره‌ی پیشین، با نام‌های نهادنامه‌ی داد و خردنامه‌ی خرّمی، در نشر گویا، به چاپ رسیده است.